

## تصویری از شیخ سعدی

کار آقا رضا ، نقاش معروف عهد صفوی

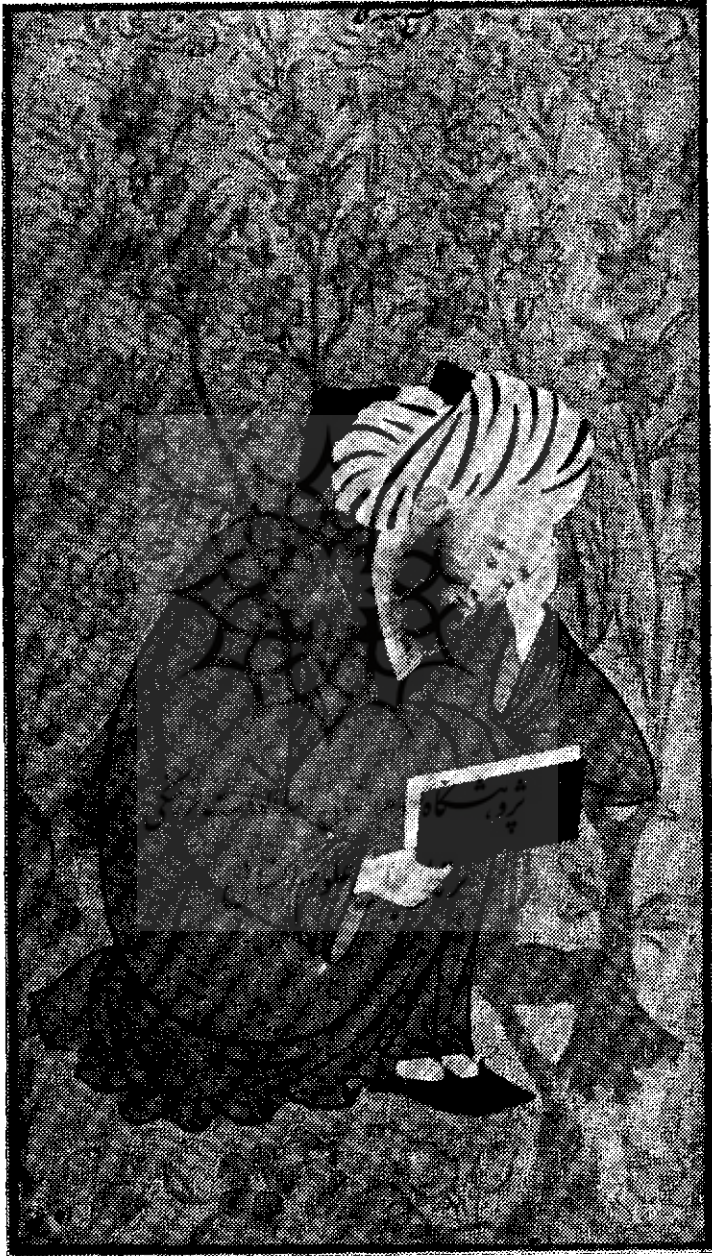
در مسافرتی که در تابستان امسال بوینه پای تخت اطریش کرده بودم در ضمن مطالعه کتب خطی کتابخانه ملی این شهر آقای پرفسور کورت هولتر (۱) که سال گذشته کتاب نفیس لطیفی تحت عنوان «صورت‌های ایرانی» (۲) تألیف و دروینه چاپ کرده نظر مرا بمرقمی جلب نمود که آنرا اولیای آن کتابخانه «مجموعه مختلط» (۳) نامیده و تحت شماره ۳۱۳ ثبت رسانده اند . این مرقع مشتمل است بر چندین صفحه از خطوط بسیار زیبایی خوشنویسان عهد صفوی و چند صفحه نقاشی رنگین و از آن جمله یک عده از آنها کار آقا رضا کاشانی نقاش معروف عهد شاه عباس کبیر و شاه صفی است .

در میان صوری که بقلم سحرانه آقا رضا نقش شده صورت رنگین بسیار جالبی است از شیخ سعدی که نشسته بمطالعه کتابی اشتغال دارد، در حالیکه سر خود را بدست راست خویش تکیه داده و آثار بختگی و تعمق از آن کاملاً هویداست . این صورت را هم آقای پرفسور هولتر در آخر کتاب مذکور خود عیناً با همان رنگهای اصلی بچاپ رسانده است .

صورت مزبور چنانکه گفتیم کار آقا رضای کاشانی است . این آقا رضا را نباید با رضای عباسی نقاش معروف دیگر دوره صفوی که در ذی القعدة سال ۱۰۴۴ فوت کرده و علی رضای خوشنویس تبریز که اصلاً نقاش نبوده اشتباه نمود .

نگارنده سابقاً در شماره دهم از سال دوم مجله یادگار ( ۱۳۲۴-۱۳۲۵ ) بتفصیل موضوع تعدد این سه تن استاد و شرح حال و آثار هر یک از ایشان را یاد آور شده‌ام و در اینجا تکرار آنرا زائد میدانم . فقط آنچه را که باحوال و آثار آقا رضا نقاش صورت مذکور سعدی مربوط است باجمال بقلم می آورم تا خوانندگان محترم کمابیش این استاد هنرمند را بشناسند . اسکندر بیگ منشی در تاریخ عالم آرای عباسی او را چنین معرفی مینماید :

«آقا رضا پسر علی اصغر کاشی در فن تصویر و نکته صورت و چهره کشائی ترقی عظیم کرده اعجوبه زمان گشت و در این عصر و زمان مسلم الثبوت است . از جهالت نفس با آن نزاکت قلم همیشه زور آزمائی و روش کشتی گیری پیشه کرده از آن شیوه محظوظ بودی و در این عهد فی الجمله از آن هرزه در آئی باز آمده امامتوجه کار کمتر شده . او نیز بطریق صادق بیک بد مزاج و بی حوصله و سرد اختلاط است، الحق استغنائی در طبعش هست، در خدمت حضرت اعلی شاهی ظل اللهی (۴) مورد عواطف گردید و رعایت‌های کلی یافت، اما از اطوار ناهنجار صاحب اطوار نشد



تصویر سہلی کار آنا رضا کاشانی

قرن یازدهم

و همیشه مفلس و پریشان حال است و این بیت مناسب حال او افتاده :  
طالب من همه شاهان جهانند و مرا درصفاهان جگر از بهر معیشت خون شد.»  
همین مؤلف در باب پدر آقا رضا چنین مینویسد :

«علی اصغر کاشی استاد-بیکرینه و مصور پاکیزه ، در پرداخت ورنک آمیزی و در کوه سازی و درخت پردازی از اقران پیش. او نیز در خدمت ابراهیم میرزا بود (۱) و در زمان اسمعیل میرزا از اصحاب کتابخانه شد.»

میر منشی قمی در کتاب گلستان هنر احوال آقا رضا را چنین آورده :  
«آقا رضا ولد مولانا علی [اصغر] کاشانی است ، زمانه اگر بوجود باوجود او افتخار نماید می‌شاید چه در تصویر چهره گشائی و شبیه کشی نظیر و عدیل ندارد ، اگر مانی زنده بودی و استاد بهزاد حیات یافتی روزی یکی ضد آفرین بروی نمودی و دیگری بوسه بر دست او نهادی ، همگی استادان و مصوران نادر زمان او را باستادی مسلم دارند . هنوز ایام ترقی و جوانی او باقیست . وی در خدمت اشرف شاه کامیاب مالک رقاب سپهر رکاب سلطان شاه عباس خلدالله ملکه میباشد اما بقایت کامل طبیعت افتاده و اختلاط نامردان و لوندان اوقات او را ضایع میسازد و میل تمام بتمشای کشتی گیران و وقوف در آن و تعلیمات آن دارد. یکمرتبه صورتی ساخته و پرداخته بود که شاه عالمیان بجایزه آن بوسه بر دست او نهادند.»

از بعضی صورتهائی که رقم این نقاش یعنی آقا رضای کاشانی را دارد بر می آید که او تا تاریخ سال ۱۰۴۸ (زمان سلطنت شاه صفی و چهار سال بعد از فوت رضای عباسی نقاش معروف دیگر آن زمان ) حیات داشته و بعد از آن دیگر از احوال او اطلاعی بدست نیست .

این اواخر یعنی از حدود سال ۱۳۱۲ شمسی که در ایران بمناسبتی از سمدی تجلیلاتی بعمل آمده تاکنون چندین بار نقاشان ایرانی صوری خیالی از شیخ اجل ساخته و منتشر کرده اند و شبیه ای نیست که هیچکدام از این صور بعلم مبتنی نبودن بر اصل و اساس نمیتواند معتبر شمرده شود .

بعاطر دارم چندسال قبل موقعیکه اداره کل باستان شناسی ایران میخواست از روی چند طرحی که یک عده از نقاشان برای تهیه مجسمه ای از سمدی فراهم ساخته بودند یکی را باین قصد انتخاب نماید و نامه یکی بمرحوم علامه قزوینی و دیگری بشکارنده نوشته بود که ما برویم و آن طرحها را ببینیم و بگوئیم کدام یک از آنها بسمدی شبیه تر است (۱)

البته ما چون هیچیک سمدی را ندیده و او را بصورت شناخته بودیم و چنین خبرتی

۱ - خانواده شاه اسماعیل اول که شاهزاده ای هنرپرور و کتاب دوست بود در سال ۹۸۴

بدست اسماعیل میرزا بن شاه طهماسب یعنی شاه اسماعیل ثانی بقتل رسید.

درخود نمیدیدیم از قبول آن دعوت و عزت خواستیم .

\*\*\*

صورتی که اینک بطبع میرسد بمقیده نگارنده از کلیه صوری که تاکنون بتخیال از سعیدی ساخته شده دوامتیاز مسلم دارد : یکی اینکه بیش از سیصد سال بزمان شیخ نزدیکتر است یعنی قریب بسیصد و پنجاه سال بعداز زمان او پرداخته گردیده است و هیچ بعید نیست که آقا رضای نقاش هم آنرا از روی صورتی قدیمتر برداشته باشد. مخصوصاً که در آن ادوار نقاشان چنین عادتی نداشته اند که از رجال بزرگ قدیم صوری خیالی بسازند . چنانکه مثلاً هیچوقت ندیده ایم که یکی از نقاشان عهد صفوی صورتی از فردوسی یا ابن سینا یا خواجه کشیده باشد و اگر هم چیزی از این قبیل بدست است باز سوادى است از صوری که سابقین از آنان ساخته بوده اند و غالباً منشاء آنها نمونه هائی بوده است از کار نقاشان معاصر یا ایشان . دیگر آنکه اینصورت که بسیار جذاب و باحالت است کار یکی از استادان مسلم نقاشی عهد صفوی است و یادگار نفیسی است که از آن هنرمند ظرافت کار بجا مانده است .

\*\*\*

بهمین علل جای آن دارد که انجمن آثار ملی باین صورت تاریخی زیبا بیشتر جنبه اعتبار و رسمیت بدهند و این نقشی را که بقلم استاد ارجمندی از صورت خداوند ذوق و قدوة ارباب فصاحت زبان شیرین فارسی بازمانده است محترمتر بدانند و رایج تر کنند .

۴- اول شهر یور ماه ۱۳۳۱

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی

رتال جامع علوم انسانی

این نکته یاد گیر...

گرك آمدست گرسنه و دشت پر بره	افتاده در رمه ، رمه رفته بشبچره
گرك از رمه خوران و رمه در گیاچرا	هر يك بحر صخویش همی پر کنندره
گرك گیا بره ست و بره گرك را گیا	این نکته یاد گیر که نغز است و نادره
نیکو در این مثال تن خویش رابه بین	گرك و بره مباش و پترس از مخاطره
از بهر آنکه تا بره گیری نگر ترا	ای بی تمیز هر دگری را مشو بره

حکیم ناصر خسرو